

۲۳ سال تدریس قرآن

برای سید جعفر سرور، قرآن ویژه‌ترین جایگاه را در زندگی دارد. مسیرش را بیشتر در حوزه تلاوت، تجوید و آموزش قرائت ادامه داده و حتی گواهی نامه بین‌المللی تدریس قرآن را از سازمان تبلیغات اسلامی دریافت کرده است.

حالا ۲۳ سال است که تدریس می‌کند. سال‌هایی که از کلاس‌های حضوری و جمع‌های کوچک شروع شده و بعد از همه‌گیری کرونا، کلاس‌هایش حالا بیشتر مجازی برگزار می‌شوند و شاگردانش فقط به محله و شهر خودش محدود نیستند. حدود پنجاه شاگرد دارد. از شهرهای مختلف که بعضی از آن‌ها امروز خودش به قاریانی شناخته شده و حتی بین‌المللی تبدیل شده‌اند. در کنار تدریس، سال‌هاست در فعالیت‌های قرآنی محله هم حضور دارد. چند دوره در مسابقات اداره امور مساجد به عنوان داور شرکت کرده و در مساجد مختلف محله به آموزش قرآن پرداخته است. اما شاید صمیمی‌ترین بخش این سال‌ها، جلسه‌ای باشد که برخلاف کلاس‌های رسمی، هنوز حال و هوای همان جلسات خانوادگی دوران کودکی را دارد؛ جلسه امام حسن مجتبی (ع) که نزدیک به بیست سال است هر هفته در خانه یکی از اعضا برگزار می‌شود. اعضای جلسه از سنین مختلف کنار هم می‌نشینند، قرآن می‌خوانند و او گوش می‌دهد و اگر در قرائت یا تجوید اشکالی باشد، همان‌جا آن را اصلاح می‌کند. گویی حلقه‌ای که پدرش سال‌ها پیش در خانه کودکی او شکل داده بود، حالا بعد از گذشت چند دهه، به دست خودش ادامه پیدا کرده است. او در سال‌های اخیر قدم دیگری هم در این مسیر برداشته و به حفظ قرآن روی آورده است. شش جزء را حفظ کرده است و حالا می‌خواهد این مسیر را ادامه دهد و تعداد بیشتری از آیات را در حافظه‌اش جای دهد.

خوش‌نویسی مادر همه این سال‌ها کنار او مانده؛ گاهی پررنگ‌تر و گاهی در حاشیه. او از مدت‌ها

پیش به تدریس این هنر هم مشغول بوده و تجربه سال‌های طولانی کار و آموزش، پشتوانه اصلی‌اش بوده است. با این حال، سال‌گذاشته تصمیم گرفت آموزش‌هایش را شکل اصولی‌تری بدهد و برای همین گواهی نامه انجمن خوش‌نویسان ایران را هم دریافت کرد.



خط، من را به آیه‌های قرآن می‌رساند

می‌گوید: شیوه‌ای که در آن، قبل از آنکه دست به قلم ببری، باید خوب دیدن را یاد بگیری؛ «چیزی که استاد‌های من همیشه روی آن تأکید داشتند، این بود که در خوش‌نویسی اول باید چشم کار کند. می‌گفتند ۵۵ دقیقه نگاه کن و فقط ۵ دقیقه بنویس. یعنی بنشین و خط استاد را ببین، چم و خم حروف را نگاه کن، ببین کجا قلم را می‌چرخاند، کجا فشار دستش را کم و زیاد می‌کند، فاصله‌ها را چطور رعایت می‌کند. وقتی خوب دیدی، تازه قلم را بردار و بنویس. خوش‌نویسی فقط این نیست که دستت راه بیفتد؛ چشم باید تربیت شود.» او اما مهم‌ترین نکته‌ای را که از استادانش یاد گرفته است، این طور بیان می‌کند: اما برای من، مهم‌تر از خود خط، چیزی بود که استاد از نظر اخلاق و دین به شاگردش یاد می‌داد. من همیشه اعتقاد داشتم استاد خوش‌نویسی فقط نباید خط یاد بدهد. باید درس اخلاق و دین هم بدهد، چون این هنر، در اصل هنر اخلاق است. مابیشتر چیزهایی که می‌نوشتیم آیه‌های قرآن بود، پند و اندرزهای حکیمانه بود، حرف‌هایی که باید اول خود آدم به آن‌ها عمل کند و بعد بنویسد. شاید به همین دلیل بود که در زندگی من، قرآن حتی از خط هم پررنگ‌تر شد. من خط را از قرآن جدا نمی‌دیدم. وقتی قرار بود آیه‌ای را بنویسم، باید اول خودم آن را می‌فهمیدم و بیا آن زندگی می‌کردم. برای همین هرچه بیشتر وارد خوش‌نویسی شدم، بیشتر به قرآن نزدیک شدم. خط برای من فقط یک هنر نبود؛ راهی بود که دوباره و دوباره مرا به قرآن برمی‌گرداند.

جنگ که تمام شد، مسیر زندگی سید جعفر سرور کم‌کم شکل تازه‌ای پیدا کرد. استعدادش در هنر خوش‌نویسی در مدرسه دیده و شناسایی شد و او را به سمت یادگیری جدی‌تر این هنر برد. او بیرون از ساعت مدرسه به دیدار استادان خوش‌نویسی می‌رفت؛ استادانی از جمله محمدعلی کریمی و استاد اسماعیل قوچانی که از استادان برجسته این هنر بودند. نزد آن‌ها، خط را اصولی‌تر می‌آموخت و با شیوه‌های مختلف خوش‌نویسی، از ثلث و نسخ گرفته تا نستعلیق آشنا شد. او ساعت‌ها در خانه می‌نشست، کاغذ و دوات را مقابلش می‌گذاشت و بارها یک خط و یک حرف را تکرار می‌کرد تا دستش با آنچه چشمش می‌بیند، هماهنگ شود.

در میان این تمرین‌ها، چیزی که بیش از همه توجه استادانش را جلب کرد، توانایی‌اش در کار با قلم‌نی‌های دانگ بزرگ بود. نوشتن با این قلم‌ها دشوار است و اجرای خط جلی و نوشته‌های درشت، مهارت و تسلط بیشتری می‌خواهد. اما برای آقا سید جعفر، سال‌هایی که پرده نویسی کرده بود، حالا تبدیل به یک امتیاز شده بود. سید جعفر سرور از شیوه‌ای که استادانش برای یادگیری خوش‌نویسی به او آموخته بودند،



راهی که ادامه دارد

با همه این سال‌هایی که پای تدریس گذاشته، خودش می‌گوید بهترین لحظه‌هایش گاهی خلوت خانه و همان میز چوبی کوچک، جایی است که بیشتر از هر کلاس و جلسه‌ای حالش را خوب می‌کند؛ لحظه‌هایی که خودش می‌ماند و کاغذ و قلم و سکوت. می‌گوید خوش‌نویسی بیش از آنکه به ساعت و برنامه وابسته باشد، به حال آدم بستگی دارد؛ «خط به حال آدم بستگی دارد. ممکن است با قصد تمرین بنشینم پشت میز، اما آن‌طور که می‌خواهی پیش نرود. ممکن است ساعت‌ها بنشینم و هرچه می‌نویسم، آن چیزی نشود که در ذهنت داری. اما گاهی نصفه شب ناگهان از خواب بیدار می‌شوی و چیزی تو را به سمت نوشتن می‌کشاند. آن موقع ممکن است بهترین و تمیزترین خط‌ها را بنویسی. انگار خود خط می‌داند چه زمانی باید روی کاغذ بیاید.» پشت این خلوت اما خانواده‌ای ایستاده که سال‌هاست آرامش لازم برای این لحظه‌ها را برایش فراهم کرده‌اند. خودش از همراهی همسرش، بی‌بی زهرا غریبی، می‌گوید: از اینکه او همیشه تلاش

کرده شرایط خانه طوری باشد که او بتواند با خیال راحت به کارش برسد و بدون دغدغه، ساعت‌هایی را پای قرآن و خط بگذراند. این علاقه حالا به دخترهایش هم رسیده است. ریحانه، حسنا و حانیه، سه دختر او، هر کدام به شکلی با خط پدرشان مانوس شده‌اند و گاهی ساعت‌ها کنارش می‌نشینند و تمرین می‌کنند. قلمی که سال‌ها پیش در دست پدرشان برای نخستین بار روی پرده‌های بزرگ حرکت کرد، حالا در دست دخترها هم می‌چرخد؛ انگار خط، مثل بخشی از یک میراث خانوادگی، آرام‌آرام از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌شود.

و شاید همین تصویر، بیش از هر چیز دیگری قصه زندگی او را کامل کند؛ پدری که روزی پنج‌پسرش را برای جلسه قرآن دور هم جمع می‌کرد و حالا یکی از آن پسرهای پشت میز کوچکش نشسته و دخترهایش را کنار دستش می‌بیند؛ میان صدای آرام قلم‌نی و سفیدی کاغذ، همان راهی که سال‌ها پیش در خانه پدری آغاز شد، هنوز ادامه دارد.

۱۵ سال تابلوسازی

سید جعفر سرور حدود پانزده سال در چهل تابلوسازی داشته است؛ تابلوهایی که خودش طراحی و خطاطی می‌کرد، قاب می‌گرفت و می‌فروخت. برخی از تابلوهای شهری هم حاصل همان سال‌هاست و هنوز رد قلمش را می‌توان در گوشه و کنار شهر دید. حالا که خودش خادم حرم امام رضا (ع) است، بخشی از این رد پا را در حرم هم می‌بیند. می‌گوید بسیاری از تابلوهای حرم، از جمله نام باب‌ها و ورودی‌ها را خودش نوشته است؛ موضوعی که برایش خوشحال‌کننده است، چون می‌داند بخشی از خط و هنر او در شهری که در آن زندگی کرده و در حرم امام رضا (ع) به یادگار مانده است.

